

مفهوم‌شناسی سلامت از دیدگاه قرآن و حدیث

رضا فیروزی

مصطفی اسماعیلی^۱

عبدالله معتمدی

چکیده

سلامت یکی از مهم‌ترین اصطلاحات مورد استفاده در زندگی است. کاربرد صحیح آن نیازمند شناخت ابعاد و اضلاع آن است. عالمان علوم مرتبط با مبحث سلامت در دنیای امروز پی برده‌اند که توجه به سلامت باید توجهی همه‌جانبه باشد و غفلت از ابعاد مختلف آن و بسندگی به سلامت جسمانی عملاً غفلت از ابعاد مختلف وجود انسان است. این مقاله ابتدا به روش توصیفی و با روی آوردی درون دینی به کاوش در ساختار معناشناختی سلامت می‌پردازد و ابعاد آن را در متون دینی می‌کاود. هدف از اصلی این مقاله نشان دادن جامعیت نگاه متون دینی به ابعاد وجود انسان و به تبع آن مسأله سلامت به عنوان کانونی‌ترین عنصر حیات دنیوی و جاوید است. نگارندگان کوشیده‌اند تا ضمن تحلیل معنای سلامت در منابع مختلف لغوی و آیات و روایات ابعاد آن را مورد بررسی قرار داده و لزوم توجه همه‌جانبه به مسأله سلامت، خصوصاً سلامت معنوی را که ناظر به حقیقت وجود انسان و تأمین‌کننده سعادت دنیا و آخرت اوست مورد تأکید قرار دهند.

واژگان کلیدی: معناشناسی سلامت در قرآن و حدیث، سلامت معنوی.

۱- دانشجوی دکترای علوم قرآن دانشگاه پیام نور (نویسنده مسؤول)

مقدمه

بیان مسأله

مسأله سلامت در زندگی انسان همواره جایگاه ویژه‌ای داشته و از دغدغه‌های اصلی بشر بوده است. به ویژه با کشف ابعاد جدید سلامت و نقش آن در کارکرد صحیح انسان در جامعه از حساسیت بیشتری برخوردار شده است. با توجه به این که سلامت معنوی تنها به جنبه فیزیکی انسان خلاصه نشده و با حقیقت وجودی او ارتباط می‌یابد، نمی‌توان آن را صرفاً با معیارهای مادی سنجید، خصوصاً قرآن نیز به علم اندک انسان در این زمینه تأکید می‌کند. (اسراء: ۸۵) لذا. ضروری است سنجش سلامت معنوی و مفهوم آن بر مبنای اطمینان بخش - وحی - استوار گردد. اغلب پژوهش‌های پیشین، به بررسی رابطه سلامت و قرآن و ویژگی‌های انسان سالم از دیدگاه قرآن پرداخته و معناشناسی و استخراج شاخص‌های سلامت از دیدگاه قرآن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش، تلاش شده است به سؤالاتی هم چون مفهوم سلامت از نظر قرآن، ویژگی‌های سلامت از منظر قرآن و تأثیر ساختار شناسی وجودی انسان از دیدگاه قرآن بر مفهوم سلامت پاسخ داده شود. روی آورد^۱ مقاله حاضر درون دینی^۲ و به لحاظ گونه شناسی^۳ توصیفی^۴ است و آیات قرآنی از حیث پارادایم بر مبنای تفسیر متن محور^۵ مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

معناشناسی سلامت

واژه سلامت به معنای اعم آن، دوری از هر آفتی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۲۱) درباره واژه سلامت می‌گوید: «سلم و سلامت دوری از آفات ظاهری و باطنی است؛ چنان چه خداوند متعال فرموده: «إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (صافات: ۸۴) که مراد دور بودن از فساد درونی است و هم‌چنین در آیه: «مُسْلِمَةً لَا شَيْءَ فِيهَا» (بقره:

(۷۱) دوری از عیوب ظاهری است. سلم هم‌چنین به معنای صلح آمده است، مانند آیه: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» (انفال: ۶۲) «اگر کفار مایل به صلح و سازش شدند تو نیز تمایل خویش را به صلح نشان بده». برخی دیگر از لغت‌شناسان نیز این معنا را آورده‌اند. (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۶۸۴) (ابن منظور، ۱۴۱۴، ص ۱۲، ۲۸۹) صاحب کتاب التحقيق فی کلمات القرآن الکریم پس از بررسی نظرات واژه‌شناسان بزرگی هم چون خلیل بن احمد، زهری، ابن فارس، ابن درید، فیومی، زمخشری، ابن منظور و راغب چنین می‌گوید: «معنای اصلی این ماده آن چیزی است که در مقابل خصومت قرار گرفته و مبنای موافقت و هماهنگی شدید میان ظاهر و باطن است، به طوری که مخالفتی در بین نباشد و از لوازم این معنا گردن نهادن، تسلیم شدن، صلح و رضاست. اگر این کلمه به صورت لازم اخذ شود، مفهوم آن حصول وفاق، هماهنگی و رفع خصومت در خود موضوع سلامت است، چه نسبت به خود آن پدیده ملاحظه شود و چه به غیر آن و هنگامی که در خصوص خودش ملاحظه شود به معنای اعتدال و نظم و محفوظ بودن از نقص و عیب و درد و آفت است و به جهت نبودن تضاد و تخالف بین اجزا و اعضای آن و حاصل بودن توافق و هماهنگی کامل و نظم و اعتدال در آن به معنای سلامت و صحت در خود پدیده و اجزای آن است. بنابراین، صحت یکی از مصادیق اصلی این واژه است.» (مصطفوی، ۱۴۱۷، صص ۱۸۹، ۵) بر اساس آن چه از بررسی واژه سلامت به دست می‌آید نشانه‌های سلامت عبارتند: از موافقت بین اجزاء موضوع سلامت، رفع خصومت و عدم تضاد بین اجزاء، هدف محوری عملکرد اجزاء، اعتدال، نظم، تسلیم، صحت، عاری از عیب بودن؛ لذا، هر عاملی که یکی از این علامت‌ها را داشته باشد عامل سلامت شمرده شده و ضد آن عامل بیماری و نبود سلامت

خواهد بود. در قرآن کریم برای سلامت ویژگی‌هایی ذکر شده که بررسی آن‌ها به فهم جامع‌تری از مفهوم سلامت در قرآن کمک می‌کند.

ویژگی‌های سلامت در قرآن

۱- سلامت مطلق و حقیقی در آخرت

در نگاه قرآن، سلامت حقیقی و مطلق فقط در آخرت قابل تحقق است. سلامت در دنیا مطلق و خالص نبوده و همراه درد و رنج است. این ویژگی مقتضای حیات مادی و جسمانی است که عالم تراحم و حرکت و خروج از قوه به فعل و عالم فرسایش جسم است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «ای انسان حقا که تو به سوی پرورگار خود به سختی و (رنج) در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد.»^۶ این آیه و آیات دیگر از قبیل (حج:۵)، (اعراف:۹۵) اشاره به یک اصل اساسی در زندگی همه انسان‌هاست که همواره زندگی در دنیا، آمیخته با رنج و زحمت است و هم راه فراز و فرود، آسایش و درد، فرسایش و فرتوتی ضعف و ناتوانی است. این، طبیعت زندگی دنیاست. بنابراین، از منظر قرآن ظرف تحقق سلامت حقیقی بهشت است، زیرا بقاء بدون فناء، غنای بدون فقر، عزت بدون ذلت و صحت بدون مرض در آنجا رخ خواهد داد و سلامت در غیر بهشت امری نسبی است. هم‌چنان که خداوند سبحان فرموده: «و برای ایشان در نزد پروردگارشان خانه سلامت است»^۷ و «و خداوند به سرای سلامت فرا می‌خواند.»^۸

۲- سلامت در دنیا مقدمه سلامت در آخرت

از نگاه قرآن سلامت در دنیا مقدمه سلامت در آخرت است، همان‌گونه که حیات دنیا مقدمه رسیدن به حیات آخرت است، و هدف، دست یابی به حیات حقیقی در آخرت است. «این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست، و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است اگر می‌دانستند.»^۹ در حقیقت، سلامت واقعی

در دنیا سلامتی است که به سلامت در آخرت منجر شود؛ همان طور که حیات در دنیا اگر به حیات سعادت‌مند در آخرت منجر نشود و جنبه مقدمی بودن آن لحاظ نگردد و خود تبدیل به هدف شود، در آن حیات، خیر و سعادت نخواهد بود. هم چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: «همانان که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند و مانع راه خدا می‌شوند و آن را کج می‌شمارند آنان در گمراهی آشکار هستند».^{۱۰} بنابر این، از نگاه قرآن، اگر برنامه زندگی دنیوی و عمل در آن برای وصول به حیات سعادت‌مند در آخرت نباشد، گمراهی آشکار خواهد بود.

۳- منشأ سلامت خداست

خداوند خود عین سلامت است، منشأ سلامت است و سلامت به او باز می‌گردد. قرآن کریم، خداوند متعال را با نام «سلام» خوانده است.^{۱۱} بر اساس این آیه خداوند نه تنها «سلامت» است، یعنی مبرای از هرگونه نقص و عیبی است، بلکه، «سلامت‌بخش» نیز است، زیرا هر آن چه از خدا ناشی می‌شود، خیر و سلامت است. در کلام خداست که می‌فرماید: «و تو فرمانروای مطلق... و به دست توست هر خیری و تو بر هر چیز توانایی»^{۱۲} و نیز، «هر چه از خوبی‌ها به تو می‌رسد از جانب خداست و آن چه از بدی به تو می‌رسد از خود توست»^{۱۳} بر اساس همین معانی، معصومان - علیهم السلام - به خواندن این دعا توصیه کرده‌اند: «پروردگارا تو خود سلامتی و سلامت از توست و سلامت برای توست و سلامت به سوی تو باز می‌گردد».^{۱۴} (مجلسی ۱۴۰۴، صص ۸۲، ۳۱۲) آن‌چه در این دعا مطرح می‌گردد این است که سلامت در همه ابعاد آن به خدا بازگشت می‌کند، زیرا، توحید- از منظر اسلام- کانون هستی است. در این دعا امام علیه السلام می‌فرماید: «خدایا تو خود سلامت هستی»، زیرا خداوند کمال مطلق است و هیچ کمالی نیست، الا این که در ذات او به نحو بی‌نهایت موجود است و هیچ عیب و نقصی را

نمی‌توان به او نسبت داد، چنان که ملائکه الله عرض کردند: «ما تو را به پاکی می‌ستاییم»^{۱۵} چرا که عیب و نقص با وجوب وجود در تعارض است. بنابراین، آنچه در فلسفه و عرفان در معرفی ذات حضرت باری تعالی مطرح می‌شود، همان معنای سلامت و عاری بودن از هر عیب و نقصی است. سپس می‌فرماید: «سلامت از توست» چون خداوند خالق و آفریننده هستی و خلقت او عاری از هر عیب و نقصی است و آفرینش نظام احسن است و صورتگری در مخلوقات نیکوترین صورتگری‌هاست؛ همان‌طور که خدا خود را «برترین آفرینندگان»^{۱۶} می‌خواند در قرآن کریم آمده: «هرچه از خوبی‌ها به تو می‌رسد از جانب خداست و آنچه از بدی به تو می‌رسد از خود توست» (نساء: ۷۹) و همچنین امام علی -علیه السلام- می‌فرماید: «عدل این است که خدا را متهم نسازی». (مجلسی، ۱۴۰۴، صص ۵۲، ۵)^{۱۷} از این روایت و آیات مرتبط، خطای دیدگاه کسانی که ناملايمات و بدبختی‌ها را به خدا نسبت می‌دهند، معلوم می‌شود. منشأ هر سلامت ذات مقدس خدای تعالی است و سلامت به سوی او رجوع می‌کند. ناپاکی به بارگاه قدسی او راه ندارد، چنان که فرمود: «کلام پاکیزه به سوی او بالا می‌رود»^{۱۸} به عبارت دیگر، قرب الی الله و لقاء پروردگار در بستر سلامت تکون می‌یابد و رشد پیدا می‌کند زیرا غایت سلامت خداست.

سلامت که از جانب حضرت حق می‌رسد، از دو ناحیه است: سلامت از ناحیه تکوین و آفرینش، و دیگری، سلامت از ناحیه تشریع و قانون گذاری.

الف - سلامت تکوینی

آفرینش خداوند مظهر سلامت است، خداوند متعال انسان را در بهترین شکل و بهترین موقعیت آفریده، آن چنان که پس از آفرینش انسان خود را «بهترین آفریدگار» نامیده است. این نظام احسن و آفرینش بی‌عیب، هم در آفرینش انسان

محقق گردیده که در آیه ۱۴ سوره مؤمنون^{۱۹} بدان اشاره فرموده و هم در آفرینش جهان هستی، آن چنان که در آیه ۳ سوره ملک وارد شده: «هم او که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید در آفرینش آن [خدای] بخشایشگر هیچ گونه اختلاف [و تفاوتی] نمی‌بینی.^{۲۰} نظام هستی، نظام احسن است، زیرا معلول مشیتی است که برخاسته از علم و قدرت و حکمت مطلق است و لذا این آفرینش در نهایت هماهنگی و وفاق بین اعضاء و اجزای آن آفریده شده است؛ به همین دلیل است که نظام خلقت به لحاظ تکوین نظام سلامت است.

ب- سلامت تشریعی

خداوند متعال در بعد راهنمایی بشر آن چه لازمه و تضمین کننده سلامت اوست در نظر گرفته است. این بعد از سلامت همان سلامت تشریعی است. از آن جا که، به تعبیر قرآن، انسان به دلیل نقص در دانش^{۲۱} و هم به دلیل وجود عواملی که بازدارنده او از کمال هستند^{۲۲}، نیاز به راهنمایی الهی برای رهایی از آفت و نقصان و عیب برای رسیدن به کمال مطلوبی که خداوند در آفرینش او قرار داده، دارد؛ لذا آن چه که حضرت حق در قالب وحی برای بشر ارائه کرده برای تأمین سلامت است. ازین روست که خداوند متعال قرآن را هدایت گر به سوی راه‌های سلامت معرفی می‌کند. (مائده: ۱۶)

۴- جامع‌نگری در سلامت

موضوع سلامت که در قرآن و روایات بدان پرداخته شده، سلامت همه جانبه است؛ به این معنا که این منابع سلامت جسمی^{۲۳}، سلامت روانی^{۲۴}، سلامت اجتماعی^{۲۵}، سلامت معنوی^{۲۶}، را به نحوی مورد توجه قرار داده است که تأمین‌کننده ابعاد گوناگون سلامت است؛ بر این مبنا، این احتمال دور از ذهن

نیست که کاربرد واژه‌ی «سبل» در «سبل‌السلام»^{۲۷}، به صورت جمع، علاوه بر دلالت بر تنوع راه‌های مختلف سلامت، بر ابعاد گوناگون آن نیز معطوف باشد.

۵- نگاه وحدت‌گرایانه به سلامت

دیدگاه قرآن و حدیث به سلامت دیدگاهی وحدت‌گرایانه است. بدین معنا که در عین این که به ابعاد مختلف سلامت توجه می‌کند، نگاهی یک‌پارچه به حقیقت وجودی انسان دارد و انسان را حقیقتی واحد می‌داند که دارای مراتب وجودی متعدد است. به تبع این دیدگاه، ضمن پذیرش گوناگونی ابعاد سلامت در انسان، آن را به هم پیوسته و بر هم تأثیرگذار می‌داند و همگی مصداق همان «سبل‌السلامی» هستند که قرآن کریم به آن اشاره کرده است. در همین خصوص، امیرالمؤمنین علی - علیه‌السلام - در پیوستگی ابعاد مختلف سلامت انسان می‌فرماید: «تحقیقاً، تندرستی تن تقوای دل است».^{۲۸} (نهج، قصار: ۳۸۸) هم‌چنین می‌فرماید: «شگفتا که حسودان از سلامت جسم غافلند».^{۲۹} (همان: ۲۲۵) «همانا سلامت جسم از کمی حسادت است».^{۳۰} (همان: ۲۵۶) روایاتی از این قبیل، گویای شدت به هم پیوستگی ابعاد مختلف سلامت انسان است.

۶- ذو مراتب بودن سلامت در قرآن

سلامت از دیدگاه قرآن، حقیقتی ذو مراتب است. سلامت در قرآن و حدیث دارای مراتب است. این مراتب، با ابعاد سلامت انسان مرتبط است که از سلامت جسمانی به سلامت معنوی سوق پیدا می‌کند. شیخ طوسی در امالی از علی (ع) نقل می‌کند که می‌فرماید: «یکی از گرفتاری‌ها، تنگ‌دستی است، سخت‌تر از آن ناتن درستی و سخت‌تر از آن بیماری دل و یکی از نعمت‌ها توانمندی مالی و برتر از آن تن‌درستی و بهتر از آن تقوای دل‌هاست»^{۳۱} (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۱۴۶)

هم‌چنین امام باقر - علیه‌السلام - در وصیتشان به جابر جَعَفی می‌فرمایند: «بدان که نه هیچ دانشی چون دانش سلامت است و نه هیچ سلامتی چون سلامت دل»^{۳۲} (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۸۶)

دلیل اهمیت سلامت قلب نسبت به سلامت جسم این است که آن‌چه که در زندگی جاوید انسان دارای اثری ماندگار است، سلامت قلب و روح است؛ اما سلامت جسم، زمانی دارای اهمیت است که جسم با روح همراه است و تأثیری است که سلامت جسم در سلامت روح دارد. لذا، پس از مفارقت روح از جسم، سلامت جسم موضوعیت خود را از دست می‌دهد و از این جهت، آثار ابعاد مختلف سلامت، در سلامت روح منعکس و همراه آن وارد عرصه حیات پس از مرگ می‌شود.

۷- غایت محور بودن مفهوم سلامت در قرآن

از ویژگی‌های مهم مفهوم سلامت در قرآن، غایت محور بودن مفهوم سلامت است. منظور از غایت محور بودن سلامت این است که قرآن، آن را برای تحقق غایتی خاص می‌خواهد؛ به عبارت دیگر، سلامت برای سلامت اهمیت زیادی ندارد. بلکه سلامت ابزاری برای رسیدن به دارالسلام و برخورداری از رحمت الهی و وصول به سعادت است. این ویژگی، وحدت و انسجامی به مفهوم سلامت می‌دهد که جمیع مراتب سلامت را دارای جهت و غایت واحدی می‌کند، به همین جهت می‌توان همه ابعاد سلامت را حول یک محور واحد تعریف کرد. بر مبنای این دیدگاه، حالت و وضعیتی حاکی از سلامت است که تأمین‌کننده‌ی این غایت باشد، لذا سلامت و عدم سلامت در ارتباط با غایت آفرینش انسان معنا پیدا می‌کند. هر کنش و واکنشی که به این غایت نینجامد، معنای واقعی و اثر ماندگار

سلامت را نخواهد داشت. خلاصه این که، معیار سلامت از نگاه قرآن در ارتباط با غایت زندگی مفهوم می‌یابد.

بر مبنای مباحث پیشین، سلامت - از منظر آیات و روایات - عبارت است از عملکرد بدون نقص و عیب و هماهنگی و بدون تضاد همه اجزاء و اعضاء و ابعاد وجود انسان با یکدیگر به گونه‌ای که خوشبختی دنیا و آخرت انسان را طبق غایتی که قرآن معرفی می‌کند، تأمین نمایند.

چنانچه پیش‌تر در مبحث ویژگی‌های سلامت در قرآن گذشت، یکپارچگی ابعاد مختلف سلامت در انسان، ذو مراتب بودن سلامت و ارتباط مراتب سلامت با مراتب کمال روح انسان این ضرورت را ایجاب می‌کند که ساختار وجودی انسان از دیدگاه قرآن و روایات بررسی تا ضمن ساختارشناسی وجود انسان، مدعیات پیش‌گفته تحلیل شود. لذا، برای شناخت مفهوم سلامت معنوی از دیدگاه قرآن و حدیث، نخست باید ساختار آفرینشی انسان از دیدگاه قرآن مورد بررسی قرار گیرد،

ساختار آفرینشی انسان در قرآن و حدیث

با توجه به ساختار وجود انسان در قرآن (مؤمنون: ۱۲-۱۴) پا به پای تحقق مراحل جسمانی او و دریافت روح الهی، سلامت نیز متناسب با رشد انسان در هر مرحله مطرح می‌شود. از بررسی آیات و روایات در خصوص روح و نفس^{۳۳} می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

اولاً: ماهیت روح با جسم متفاوت است، زیرا با واژه «خلقاً آخر» از آن تعبیر

نموده است. (مؤمنون: ۱۲-۱۴)

ثانیاً: با توجه به آیه شریفه سوره اسراء، مشخص می‌گردد که روح از امر پروردگار است. «از تو درباره روح می‌پرسند بگو روح از امر پروردگار من است»^{۳۴} (اسراء: ۸۵)

برای روشن شدن معنای «امر» از آیه ۸۲ سوره یس استفاده می‌شود که می‌فرماید: «فرمان(امر) او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند به آن می‌گوید موجود باش، آن نیز بی‌درنگ، موجود می‌شود»^{۳۵} یعنی، هم‌چون جسم، تدریجاً آفریده نشده است.

«امر» خدا همان کلمه ایجاد است که خدای سبحان هر چیزی را با آن ایجاد می‌کند و به عبارت دیگر، امر خدا همان وجودی است که به اشیاء افاضه می‌فرماید، اما نه وجود از هر جهت، بلکه از این جهت که مستند به خدای تعالی است و آمیخته با ماده و زمان نیست، هم‌چنان که در آیه ۵۰ سوره قمر بدان اشاره می‌کند «فرمان ما یک امر بیش نیست، هم‌چون یک چشم بر هم زدن»^{۳۶} که به مجرد آن از زمان و مکان اشاره دارد، زیرا، تعبیر مذکور در جایی گفته می‌شود که تدریج در کار نباشد، یعنی مادی و محکوم به حرکات مادی نباشد.

ثالثاً: روح انسان امری مستقل است، همان‌طور که از آیات کریمه استفاده می‌شود مانند آیاتی که دلالت بر حیات انسان پس از مرگ در عالم برزخ دارند، حیاتی که در آن جسم مادی دنیوی حضور ندارد «تا آن گاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد می‌گوید پروردگارا مرا باز گردانید، شاید من در آن‌چه وانهادم کار نیکی انجام دهم، نه چنین است، این سخنی است که او گوینده آن است و پیشاپیش آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد» (مومنون: ۹۹، ۱۰۰)^{۳۷}، «هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندارید بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند» (آل عمران: ۱۶۹)، «هر صبح و شام

برآتش عرضه می‌شوند و روزی که رستاخیز بر پا شود [فریاد می‌رسد که] «فرعونیان را در سخت‌ترین عذاب در آورید.» (غافر: ۴۶)^{۳۸} آیات قرآن علاوه بر استقلال، به حیات روح و علم و قدرت آن هم اشاره دارند، نه این که از مقوله صفات و احوال بوده و آن طور که بعضی پنداشته‌اند، قائم به موجود دیگری باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، صص ۱۲، ۳۰۲)

رابعاً: روح حقیقتی دارای مراتب است. آن چه از آیات و روایات در این خصوص می‌توان استفاده کرد این است که روح ذومراتب و دارای درجات کمالی است و به همین جهت است که روح در قرآن با نام‌های گوناگون و صفات و اضافات مورد استفاده قرار گرفته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، صص ۲۰، ۱۷۱) و در روایات نیز، روح با نام‌ها و صفات مختلف هم‌چون روح الحیات، روح الشهوه، روح القدس و اسامی دیگری که هریک از مراتب روح، در سیر کمالی آن پرده بر می‌دارد، به کار رفته است. در این خصوص طی روایتی از امام صادق -علیه السلام- وارد شده است که ایشان به یکی از یاران نزدیکشان به نام مفضل، که اهل تحقیق و پرسش بود، فرمودند: «ای مفضل به درستی که خداوند تبارک و تعالی برای پیامبرش، پنج روح قرار داده است [نخست] روح حیات که به وسیله آن قدرت جنبش پیدا می‌کند، سپس روح قوت که در آن توان برخاستن و تلاش پیدا می‌کند. سپس روح شهوت که در این مرحله می‌خورد و می‌آشامد و با زنان می‌آمیزد و از لذت‌های حلال استفاده می‌کند، پس از آن واجد روح ایمان می‌گردد که در این مرحله اوامر و نواهی الهی و عدالت‌ورزی و ارزش‌های اخلاقی را مراعات می‌کند و در پایان به روح القدس می‌رسد که با روح القدس است که قدرت حمل بار امانت نبوت را می‌یابد و هنگامی که پیامبر اکرم (ص) از دنیا رحلت فرمودند این روح القدس به امام منتقل می‌گردد و روح القدس مرحله‌ای است که در آن روح به

خواب نمی‌رود، غفلت سراغ آن نمی‌آید. اهل لهو و لعب نیست به نسیان و فراموشی گرفتار نمی‌گردد، در حالی که چهار روح دیگر به خواب می‌روند، به بازی و سرگرمی مشغول می‌شوند و روح القدس برای پیامبر ثابت است، و به وسیله آن پیامبر می‌تواند آن چه در شرق و غرب عالم می‌گذرد را ببیند و از صحراها و دریاها با خبر شود. مفضل می‌گوید به امام عرض کردم فدایتان کردم آیا امام می‌تواند از آن چه که در بغداد می‌گذرد با خبر شود، امام فرمودند نه تنها بغداد بلکه مادون عرش را هر چه باشد باخبر است.» (مجلسی، ۱۴۰۴، صص ۲۵، ۵۸) ^{۳۹}

از دید آموزه‌های اسلامی انسان سالم از نظر معنوی انسانی است که فعل و انفعالات روحی او بستر را برای فعلیت بخشیدن همه مراتب کمال فراهم سازد.

سلامت معنوی

پس از طرح مباحث عام سلامت، مسأله‌ی سلامت معنوی که محور اصلی سلامت در قرآن است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گرچه مفاد و محتوای سلامت معنوی در قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام وجود داشته، با این حال، عنوان سلامت معنوی به صراحت ذکر نشده است. البته اندیشمندان مسلمان تحت تأثیر آموزه‌های قرآنی در متون اخلاقی و عرفانی به عوامل بیماری‌های روحی و راه‌های علاج آن پرداخته‌اند، البته لازم به ذکر است که این عنوان در نظام سلامت بشری هم سابقه زیادی ندارد و مدت زمان مدیدی اندیشه بشری متمرکز بر سلامت جسمانی بود و ریشه و علل بیماری‌ها و سلامت بشر صرفاً در جسمش جستجو می‌کرد؛ تا این که پژوهشگران عرصه سلامت متوجه عوامل فرامادی و متافیزیکی گردیدند پس از پیشنهاد راسل و عثمان مبنی بر گنجاندن بعد سلامت معنوی در مفهوم سلامت سازمان بهداشت جهانی حدود ربع قرن پیش با این مسأله مواجه شد که آیا بعد معنوی باید در

تعریف سلامت علاوه بر سلامت جسمی و روانی و اجتماعی گنجانده شود. (امیدواری، ۱۳۸۷، ص ۱) تحقیقات بعدی این حوزه نشان داد که متغیرهای گوناگونی بر سلامت انسان تأثیرگذارند. از آن جمله دین، و باورهای دینی بود که به عنوان عامل تأثیرگذار وارد عرصه سلامت بشری شد.

تعریف سلامت معنوی

تعاریفی که برای سلامت معنوی توسط آن دسته از متخصصین حوزه سلامت که معتقدند سلامت معنوی قابل تعریف است، صورت گرفته عمدتاً حول چند محور قابل طرح است: سلامت معنوی به عنوان «حسی از متصل بودن، هماهنگی بین خود، دیگران و وجود متعالی که از طریق یک فرایند رشد پویا و منسجم دست یافتنی است و یک شناخت هدف نهایی و معنای زندگی منجر می‌شود». (هانگلان و همکاران، ۱۹۹۵م، صص ۱۴۷-۱۵۳)^{۴۰} «سلامت معنوی عبارت است از ۱- حس رضایت از زندگی ۲- ارزش‌ها و باورهای اجتماع و خود ۳- کلیت در زندگی ۴- یک عامل در بهزیستی ۵- یک قدرت یا نیروی الهی کنترل و نظارت برتر ۶- تعامل معنوی انسان» (فیشر، ۲۰۱۰م، ص ۲۴)^{۴۱} «سلامت معنوی یکی از ابعاد بنیادین سلامت و بهزیستی و نیروی هماهنگ کننده و تکمیل کننده سایر ابعاد سلامت انسان (ابعاد سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و هیجانی است» (فیشر، ۱۹۹۸م)^{۴۲} «ادراک (شناخت) هدف و حس پیوند با خود و با دیگران، با طبیعت و یا خداوند» (هاسد، ۲۰۰۰م)^{۴۳}، «جستجوی کمال و یک پارچگی» (هامفریز، ۲۰۰۰م)^{۴۴}، «جستجوی امید و توازن» (مک شری، ۲۰۰۰م)^{۴۵}، «اعتقاد به جوهری بالاتر و عظیم‌تر» (هاسد، ۲۰۰۰)، «بعضی از سطوح متعالی، حسی که فراتر از زندگی عادی، ماده و عمل است» (اودنال ۱۹۹۶)^{۴۶} (روشن و ساعد، صص ۶۸-۴۹). در کتاب جامع بهداشت عمومی درخصوص سلامت معنوی چنین آمده: «یکی از زمینه‌های عمده

بیماری‌ها فقدان بعد معنوی در افراد است. ایمان، هدفدار بودن زندگی، پای‌بندی اخلاقی، تعاون داشتن، حسن ظن و توجه بیشتر به مسائل معنوی زندگی باعث کاهش اضطراب، تزلزل روحی و عوارض ناشی از آن می‌شود». (حاتمی و همکاران، ۱۳۸۵، صص ۱، ۴۸) از آن چه مطرح شد می‌توان نتیجه گرفت که آن چه به عنوان سلامت معنوی مطرح است، سلامت ابعاد متعالی وجود انسان است که در ارتباط با خدا، خود، دیگران و هستی شکل می‌گیرد.

سلامت معنوی در قرآن

یکی از اهداف نزول قرآن هدایت انسان‌ها به راه‌های سلامت است. سلامت معنوی در رأس اهداف قرآن کریم در هدایت به راه‌های سلامت قرار می‌گیرد، زیرا این بعد از سلامت مربوط به روح انسان است بعدی که بقاء انسان به بقاء اوست هدف از تأمین این بعد از سلامت رساندن انسان به سعادت واقعی و به تعبیر قرآن دارالسلام خداوند است. «خدا هر که را که از خشنودی او پیروی کند، به وسیله آن [کتاب] به راه‌های سلامت رهنمون می‌شود، و به توفیق خویش، آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون می‌برد و به راهی راست هدایتشان می‌کند». (مائده: ۱۶)^{۴۷} با توجه به این آیه شریفه، سلامت معنوی خروج از تاریکی‌های گمراهی و ضلالت به روشنایی هدایت و سعادت است هدایت و ضلالتی که در این آیه مطرح است مربوط به بعد روحی انسان است و غایت آن هم سعادت جاویدان انسان است و خدا «[شما را] به سرای سلامت فرا می‌خواند، و هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند». (یونس: ۲۵) دارالسلامی که در این آیه مطرح شده بهشت جاویدان خداوندی است. همان گونه که در بررسی ابعاد وجود انسان از دیدگاه اسلام بیان شد، انسان یک موجود چند بعدی است که بعضی از ابعاد وجود انسان تجربه پذیر، و برخی نیز تجربه ناپذیر است؛ بعد روحی

انسان به دلیل انتسابش به خداوند و عظمتش نه تنها قابل شهود و در دسترس نیست، بلکه، اطلاعات و آگاهی انسان نسبت به آن نیز اندک است.^{۴۸} به همین دلیل، سلامت از منظر آموزه‌های اسلامی دور بودن از آفات ظاهری و باطنی است، آفات ظاهری مربوط به بعد ظاهری و تجربه پذیر وجود انسان، مثل بیماری‌های جسمانی است؛ اما آفات باطنی - که امراض روحی است - به دلیل پیچیدگی و دور از دسترس بودن آن نسبت به دانش بشری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در درمان امراض باطنی و دستیابی به سلامت معنوی جز به مدد وحی ره به جایی نمی‌توان برد. علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار نقل می‌کند که رسول خدا (ص) بر جماعتی گذشتند که اطراف شخصی جمع شده بودند، آن جناب فرمودند: برای چه جمع شده‌اید؟ گفتند دیوانه‌ای است غش کرده دور او جمع شده‌ایم. پیامبر فرمودند: این شخص دیوانه نیست بلکه مبتلا [و آسیب دیده و بیمار] است، آیا به شما خبر دهم از مجنون واقعی، گفتند: بله یا رسول الله، فرمود: مجنون واقعی متکبری است که در راه رفتن حرکات متکبرانه دارد (مجلسی، ۱۴۰۴، صص ۷، ۲۳۳)^{۴۹}

جنون ظاهری، یک بیماری است که چه بسا با دارو قابل درمان باشد، اما، جنون واقعی، خودبزرگ بینی و گرفتار توهم شدن و خیال زده شدن است که چه بسا افراد ظاهر بین به عنوان یک بیماری و آفت به آن نگاه نکنند، اما، قرآن از آن به عنوان آفت و بیماری نام می‌برد که اگر کسی به آن مبتلا شود، امکان ورود به دارالسلام خدای تعالی را نخواهد داشت «سرای آخرت را برای کسانی قرار داده ایم که در زمین اراده برتری جویی و فساد نداشته باشند و فرجام نیک از آن اهل تقواست». (قصص: ۸۳)^{۵۰} قرآن همان طور که تکبر را به عنوان یک بیماری روحی معرفی می‌کند، در مقابل، تواضع و فروتنی را به عنوان شاخص سلامت در حوزه رفتار میان فرد و دیگران مطرح می‌کند «و بندگان خداوند رحمان کسانی هستند

که وقتی در روی زمین راه می‌روند فروتنانه قدم بر می‌دارند و هنگام برخورد با جاهلان برخورد مسالمت آمیز دارند»^{۵۱}. بنابراین، تعریف سلامت معنوی و ارائه شاخص‌های آن بدون استعانت از وحی که سندی است از سوی خالق روح انسان، امری ناممکن می‌نماید. که امروز به وضوح سردرگمی پژوهش گران عرصه سلامت معنوی را می‌توان مشاهده نمود به گونه‌ای که برخی به دلیل عدم شناخت روح سلامت معنوی را غیر قابل تعریف می‌دانند.

سلامت معنوی از نظر قرآن عبارت است از اصلاح رابطه میان خود و خدای خود، اصلاح رابطه انسان با خود، اصلاح رابطه انسان با دیگران و اصلاح رابطه انسان با طبیعت در حوزه اندیشه و بینش و حوزه عواطف و تمایلات و حوزه رفتار و عملکرد که نتیجه شاخص‌های سلامت در این چهار حوزه وصول به سعادت دنیا و آخرت، خواهد بود.

نتیجه

قرآن کریم و احادیث معصومین مفهوم سلامت را به صورت بنیادی مورد توجه قرار داده و تحقق سلامت را از اهداف نزول وحی معرفی می‌کند. سلامت از منظر قرآن به معنای دور بودن از آفات ظاهری و باطنی است که با عمل به محتوای وحی الهی انسان به راه‌های سلامت رهنمون می‌گردد و در نهایت امکان وصول به دارالسلام حقیقی که به دور از هر آفت و عیب و نقص و نیستی است را خواهد داشت. در معنا شناسی سلامت از دیدگاه قرآن و حدیث، ابعاد گوناگون سلامت در ارتباط نزدیک و تنگاتنگ با یکدیگر قرار داشته و البته دارای مراتبی است که بعضی از مراتب آن مقدمه مراتب بالاتر محسوب می‌گردد. در مراتب سلامت، سلامت معنوی بالاترین مرتبه سلامت به شمار می‌رود، زیرا مربوط به ابعاد متعالی وجود انسان می‌گردد. قرآن کریم با جایگاه والای خود که برخاسته

از علم بی نهایت خالق انسان است و با شناخت دقیق همه ابعاد وجود انسان و هدف آفرینش او صلاحیت معرفی راه‌های سلامت و ارائه شاخص‌های معنوی انسان را داراست و می‌تواند با آموزه‌های خود تأمین کننده این بعد مهم سلامت انسان باشد.

بی نوشت ها

1. approach
2. intra-religion
3. typology
4. descriptive
5. semantics

۶. يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (انشقاق:۶)
۷. لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ هُوَ يُؤْتِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. (انعام:۱۲۷)
۸. وَاللَّهُ يَدْعُوهُ إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. (يونس: ۲۵)
۹. وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ. (عنكبوت:۶۴)
۱۰. الَّذِينَ يَسْتَجِيبُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ يُصَدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يُغْوِيَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ. (ابراهيم:۳)
۱۱. هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِيبُ الْغَزِيُّ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ ۚ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ. (حشر:۲۳)
۱۲. قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاءُ وَ تَنزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ وَ تُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَن تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (آل عمران:۲۶)
۱۳. مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ مَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ وَ أَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا. (نساء:۷۹)
۱۴. قُلِ اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنكَ السَّلَامُ وَ لَكَ السَّلَامُ وَ إِلَيْكَ يُعُودُ السَّلَامُ... ۱۵. نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ (بقره: ۳۰)
۱۶. تَدْعُونَ بَعْلًا وَ تَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ (صافات: ۱۲۵) آيا بت بعل را می خوانید و بهترين آفریدگار را کنار می گذارید؟!
۱۷. التَّوْحِيدُ ان لا تتوهمه والعدل ان لا تنتهمه. (بحار: ۵۲، ۵)
۱۸. مَن كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَ الَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يُبَوِّرُ (فاطر: ۱۰)
۱۹. ثُمَّ خَلَقْنَا الطُّفْلَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (مؤمنون: ۱۴)
۲۰. الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ مِن تَفَافُوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ (ملك: ۳)
۲۱. وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَ مَا أُوتِيتُمْ مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (اسراء: ۸۵)
۲۲. مَا أَتَرَىٰ نَفْسِي إِنِ النُّفُسُ لَأَمَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَجَمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَّحِيمٌ. (يوسف: ۵۳)
۲۳. كُلُّوْا وَ اشْرَبُوْا وَ لَا تُسْرِفُوْا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِيْنَ-يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبِيثَ (اعراف: ۳۱-۱۵۷)

- ^{۲۴} وَ لَا تَأْتِسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْتِسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ (یوسف: ۸۷)
- ^{۲۵} وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامٌ (فرقان: ۶۳)
- ^{۲۶} وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (طلاق: ۳)
- ^{۲۷} يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (مائده: ۱۶)
- ^{۲۸} إِنَّ مِنْ صِحَّةِ الْبَدَنِ تَقْوَى الْقَلْبِ
- ^{۲۹} الْعَجَبُ لِعِفْلَةِ الْخَسَادِ عَنْ سَلَامَةِ الْأَجْسَادِ
- ^{۳۰} صِحَّةُ الْجَسَدِ مِنْ قِلَّةِ الْخَسَدِ
- ^{۳۱} أَلَا وَ إِنَّ مِنْ الْبَلَاءِ الْفَاقَةَ وَ أَشَدُّ مِنْ الْفَاقَةِ مَرَضُ الْبَدَنِ وَ أَشَدُّ مِنْ مَرَضِ الْبَدَنِ مَرَضُ الْقَلْبِ أَلَا وَ إِنَّ مِنْ النَّعَمِ سَعَةَ الْمَالِ وَ أَفْضَلُ مِنْ سَعَةِ الْمَالِ صِحَّةُ الْبَدَنِ وَ أَفْضَلُ مِنْ صِحَّةِ الْبَدَنِ تَقْوَى الْقَلْبِ (الامالي: ۱۴۶).
- ^{۳۲} . واعلم انه لاعلم كطلب السلامة و لاسلامة كسلامة القلب (تحف العقول: ۲۸۶)
- ^{۳۳} . حجر/ ۱۵ و ۲۹، ص/ ۱۷، الرحمن/ ۱۳، روم/ ۱۷
- ^{۳۴} . وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي
- ^{۳۵} . إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ
- ^{۳۶} وَ مَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ
- ^{۳۷} . حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَ مِنْ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ
- ^{۳۸} . النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَ عَشِيًّا وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ
- ^{۳۹} . يَا مُفَضَّلُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَ لِلنَّبِيِّ صَ خَمْسَةَ أَرْوَاحٍ رُوحَ الْحَيَاةِ فِيهِ دَبٌّ وَ دَرَجٌ وَ رُوحَ الْقُوَّةِ فِيهِ نَهْضٌ وَ جَاهَدٌ وَ رُوحَ الشَّهْوَةِ فِيهِ أَكْلٌ وَ شَرِبٌ وَ أَتَى النِّسَاءَ مِنَ الْخَلَالِ وَ رُوحَ الْإِيمَانِ فِيهِ أَمْرٌ وَ عَدَلٌ وَ رُوحَ الْقُدُسِ فِيهِ حِمْلُ الثَّبُوتِ فَإِذَا قُبِضَ النَّبِيُّ صَ انْتَقَلَ رُوحُ الْقُدُسِ فَصَارَ فِي الْإِمَامِ وَ رُوحُ الْقُدُسِ لَا يَنَامُ وَ لَا يَغْفُلُ وَ لَا يَلْهُو وَ لَا يَسْهُو وَ الْأَرْبَعَةُ الْأَرْوَاحُ تَنَامُ وَ تَلْهُو وَ تَغْفُلُ وَ تَسْهُو وَ رُوحُ الْقُدُسِ ثَابِتٌ يَرَى بِهِ مَا فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ يَتَنَاولُ الْإِمَامُ مَا يَبْغِذُ يَدِهِ قَالَ نَعَمْ وَ مَا دُونَ الْعَرْشِ. (بحار: ۲۵، ۵۸)

⁴⁰ Hungelman J, Kenkel-Rossi E, Lessen L, Stollenwerk L M. (1985). Spiritual well-being in older adults: harmonious interconnectedness. Journal of Religion Health 24:147-53

⁴¹ Fisher, John W. (2010 b). Spiritual Health: Its Nature and Place in the School Curriculum, THESIS

⁴² Fisher J. (1998). Spiritual health: its nature and place in the school curriculum. PhD thesis, University of Melbourne

⁴³ . Hased .G .S

⁴⁴ .Humphreys .s .j

⁴⁵ . Mc Sherry .W

⁴⁶ . Oldnall .A

^{۴۷}. یَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (مائده: ۱۶)

^{۴۸}. وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَ مَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (اسراء: ۸۵)

^{۴۹}. [الحصال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ الْفَارِسِيِّ عَنِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَى جَمَاعَةٍ فَقَالَ عَلَى مَا اجْتَمَعْتُمْ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا مَجْنُونٌ يُصْرَعُ فَاجْتَمَعْنَا عَلَيْهِ فَقَالَ لَيْسَ هَذَا بِمَجْنُونٍ وَ لَكِنَّهُ الْمُتَبَلَّى ثُمَّ قَالَ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِالْمَجْنُونِ حَقَّ الْمَجْنُونِ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْمُتَبَخَّرُ فِي مَشْيِهِ النَّاطِرُ فِي عَطْفِهِ الْمُحَرَّكَ جَنْبِيهِ بِمَنْكِبِيهِ يَتَمَنَّى عَلَى اللَّهِ جَنَّتَهُ وَ هُوَ يَعْصِيهِ الَّذِي لَا يُؤْمَنُ شَرُّهُ وَ لَا يُرْجَى خَيْرُهُ فَذَلِكَ الْمَجْنُونُ وَ هَذَا الْمُتَبَلَّى

^{۵۰}. بَلِّغْ الدَّارَ الْآخِرَةَ تَجْعَلَهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ غُلُوبًا فِي الْأَرْضِ وَ لَا فُسَادًا وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

^{۵۱}. وَ عِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا

یادداشت شناسه مؤلف

رضا فیروزی: دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

مصطفی اسماعیلی: دانشجوی دکتری علوم قرآن دانشگاه پیام نور (نویسنده مسؤول)

نشانی الکترونیکی: mos.esmaeili@gmail.com

عبدالله معتمدی: استادیار دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۸/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱/۲۰